

ترانه‌بازی‌های کودکان

ناهید جهازی^۱

چکیده

ترانه‌ها را براساس وزن و مضمون می‌توان به سه دسته برشمردنی‌ها، ترانه‌بازی‌ها و داستانی‌ها تقسیم کرد. هدف اصلی این مقاله، طبقه‌بندی و شناخت انواع ترانه‌بازی‌هاست. روش پژوهش در این مقاله، مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. ابتدا کلیه ترانه‌بازی‌های کودکان مطالعه شد سپس ضمن طبقه‌بندی، هر مضمون و موضوع ترانه‌بازی‌ها با ذکر نمونه ارائه گردید. یافته‌های این جستار نشان می‌دهد ترانه‌بازی‌ها گونه‌ای از ترانه‌های کودکان است که از تلفیق ترانه و بازی پدید آمده‌اند و از نظر مضمون انواعی دارند که عبارتند از: ۱. ترانه‌بازی‌های کار؛ ۲. ترانه‌بازی‌های نمایشی؛ ۳. ترانه‌بازی‌های سرگرمی؛ ۴. ترانه‌بازی‌های آئینی - مناسبتی و ۵. ترانه‌بازی‌های لفظی. مهم‌ترین اثرات ترانه‌بازی‌ها، تقویت قدرت کلامی، شناخت موسیقی و ریتم، و تمرکز و رشد هوش هیجانی و هوش عاطفی است. بعضی از ترانه‌بازی‌ها انفرادی هستند و بعضی هم گروهی؛ اما بیشتر آنها بدون ابزار، بازی می‌شوند و حرکت در آنها به اندازه دیالوگ نیست.

کلیدواژه‌ها: بازی سنتی، ترانه‌بازی عامیانه، ترانه‌های سرگرمی، ترانه‌های عامیانه، ترانه‌های لفظی، ترانه‌های مناسبتی، ترانه‌های نمایشی

۱. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه تهران و پژوهشگر فرهنگ عامه. رایانامه: nahid.jahazi@yahoo.com

۵۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

واژه بازی در اصل زبان پهلوی واژیک و در متون پهلوی در کنار سایر تفریح‌های عمومی و مجاز استفاده می‌شده است. در ایران عصر ساسانی، هر تفریح و شادمانی شایان توجه را عنوان بازی می‌دادند.

بازی را می‌توان هر گونه فعالیت فیزیکی یا فکری چه به صورت فردی یا جمعی به منظور گذراندن وقت، آمادگی جسمی، تقویت حافظه و هوش، اجرای مراسم آیینی، نیایشی و رزمی برای رسیدن به یک هدف دانست. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند بازی خودخواسته، ارادی و به خاطر خودش، انجام می‌شود و هدفی ندارد.

جامعه‌شناسان معتقدند بازی‌ها بزرگترین نقش را در اجتماعی کردن و انتقال ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به کودکان ایفا می‌کنند و اجتماعی شدن چیزی نیست جز ساز و کار اخذ هنجارها، ارزش‌ها و اعتقادات اجتماعی.

یکی دیگر از مفاهیمی که توسط بازی‌ها تقویت می‌شود گسترش دایره لغات، شناخت واژه‌های مترادف و متضاد و آشنایی با حرف و خط و نقاشی است.

سایر اهداف بازی عبارت‌اند از: «افزایش روحیه مسئولیت‌پذیری، ایجاد هنجارپذیری، تقویت روحیه استقلال‌طلبی، افزایش تعاون و همکاری، ایجاد نشاط و شادی، افزایش بردباری و شکیبایی، نزدیکی به طبیعت، تأثیرات متقابل کودکان و بزرگسالان، برانگیختن روحیه اعتماد به نفس، پرورش خلاقیت و ایجاد سرگرمی.» (آنی‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۶)

بازی‌های سنتی بر اساس نیازهای مختلف جامعه پدید آمده‌اند. بعضی از آنها جنبه تفریحی و بعضی دیگر جنبه آموزشی دارند و هر کدام به صورتی در پرورش اندیشه و جسم کودک و افزایش مهارت‌های او نقش دارند. بسیاری از بازی‌های سنتی در گذشته در فضای باز و زمین‌های وسیع و خانه‌های حیاطدار اجرا می‌شدند، اما بعضی از بازی‌ها برای شب‌های سرد زمستان که افراد خانواده و دوستان دور کرسی جمع بودند، طراحی شده بودند. اکثر این بازی‌ها، بازی‌های نمایشی بود و بازیگران و تماشاگران را سرگرم می‌کردند.

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۵۳

در میان بازی‌های سنتی و محلی ایران برای هر یک از گروه‌های سنتی خردسال، کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال بازی‌های خاصی وجود دارد که در بسیاری از آنها دختر و پسر و مرد و زن به صورت مشترک به بازی می‌پردازند و در بعضی دیگر به واسطه نوع و عرف و مهارت مختص به آن، گروه خاصی شرکت می‌کنند. در بخش وسیعی از بازی‌های سنتی و فولکلوریک کلام آهنگین و شعر نقش اصلی را دارد، این بازی‌ها دارای نقاط مشترک فراوانی هستند، اما می‌توان آنها را برحسب موضوع و نحوه و محل اجرای آنها طبقه‌بندی کرد.

بعضی از کارکردهای بازی‌های سنتی عبارت‌اند از: «تقویت قدرت استقامت، سرعت، انعطاف‌پذیری، چابکی و زیرکی، نظم و هماهنگی، حفظ تعادل، شعر و عبارات آهنگین، ساز و دهل و موسیقی، حضور ذهن و تمرکز حواس.» (همان) یکی از مهمترین عناصر بازی‌های سنتی ترانه است.

ترانه‌های عامیانه

در ادبیات عامیانه ایران، کودکان سهم بسزایی دارند، تقریباً تمام قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه، مثل‌ها، لالایی‌ها، معماها و چیستان‌ها، گونه‌های بازی و قافیه‌پردازی‌های عامیانه برای کودکان آفریده شده‌اند، بنابراین می‌توان گفت ادبیات توده بیشتر به کودکان تعلق دارد.

«ویژگی مشترک تمام انواع ترانه‌های کودکان (لالایی‌ها، ترانه‌های نوازش کودک، ترانه‌های بازی) عبارت‌اند از: وزن شاد و مطبوع و اغلب ریتمیک، بحرهای کوتاه، سادگی بیان و استفاده از واژه‌ها، اصطلاحات و نام‌های مأنوس برای کودک.» (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۲۰۸-۲۰۷)

ترانه‌های عامیانه گنجینه‌ای سرشار از وزن‌های متنوع و جذاب است که برای اهل هنر و به‌خصوص سرایندگان شعر و آهنگ‌سازان منبع الهام بوده است. پژوهشگران فرهنگ عامه معتقدند که وزن شعر عامیانه از زندگی عملی گرفته شده است. یکی دیگر از ویژگی‌های وزن در ترانه‌های عامیانه، کوتاهی و بلندی مصراع‌هاست.

۵۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

«گروهی از پژوهشگران وزن ترانه‌های عامیانه را هجایی و همانند شعرهای ایرانی پیش از اسلام و گروهی دیگر آن را نیمه‌هجایی، نیمه‌عروضی و گروه سوم آن را تکیه‌ای و گروه چهارم آن را کمی و ضربی و گروه پنجم آن را عروضی می‌دانند.» (محمدی و قایینی، ج ۱، ۱۳۸۴: ۴۱)

یکی دیگر از ویژگی‌های ترانه‌های کودکان، مضامین متنوع است. مضامین ترانه‌ها بیانگر اندیشه‌ها و آرزوهای مردم است. شمردن مضامین در ترانه‌های عامه، کار دشواری است زیرا ترانه‌ها شامل تمامی جلوه‌های فرهنگ مادی و معنوی مردم هستند. مضامینی که با پدیده‌های مادی سر و کار دارند جزو فرهنگ مادی محسوب می‌شوند و مضامینی که با معتقدات و باورهای مردم در ارتباط هستند جزء فرهنگ معنوی مردم به‌شمار می‌روند.

ترانه‌ها را براساس وزن و مضمون می‌توان به سه نوع برشمردنی‌ها، ترانه‌های بازی و داستانی‌ها تقسیم کرد؛ برشمردنی‌ها ترانه‌هایی هستند که به طور مرتب واژه یا واژه‌هایی به مطلب اضافه می‌شوند و سپس با کلمات قبلی تکرار می‌شوند؛ مانند ترانه: «اشتر به چراست در بلندی». ترانه‌های داستانی ترانه‌هایی هستند که یک مثل یا داستان را بیان می‌کنند، مانند «کک به تنور». و اما ترانه‌های بازی که سخن اصلی این جستار است، در ادامه به طور مفصل به آن پرداخته می‌شود.

ترانه‌های بازی

ترانه‌های بازی گونه‌ای از ترانه‌های کودکان است که از تلفیق ترانه و بازی پدید آمده‌اند، ترکیب این دو برای کودک دلپذیر است. ترانه‌های بازی هیجان و تحرک بیشتر در کودک ایجاد می‌کنند. در بعضی از ترانه‌های بازی عناصر، گوناگونی مانند اسامی اشیا، انسان، حیوانات و پرندگان وجود دارند.

ترانه‌های بازی علاوه بر زبان‌آموزی به کودک و تقویت حافظه و حضور ذهن او با حرکات ورزشی، باعث رها شدن نیروهای انباشته و ذخیره شده در جسم کودک می‌شوند. پناهی سمنانی در کتاب *ترانه و ترانه‌سرایی* به این موضوع اشاره می‌کند و

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۵۵

می‌گوید: «در دسته‌ای از ترانه‌بازی‌ها، هوش و استعداد کودک برای درک برخی مسائل ساده به کار گرفته می‌شود. ترانه‌های برشمردنی و ترانه‌هایی از نوع «اوستابدوش، زن اوستابدوش» از این دسته‌اند، که در آنها اعداد و تسلسل و رابطه بسیار ساده آنها، نام‌های حیوانات و آواز و حرکت آنها، مضمون ترانه را تشکیل می‌دهند. در گونه‌هایی از آنها کودکان در خواندن ترانه شرکت داده می‌شوند و تمام یا قسمتی از آن به صورت پرسش و پاسخ یا مناظره بین کودکان و خواننده ترانه به اجرا درمی‌آید. ترانه‌های «مرغ همسایه»، «گرگم و گله می‌برم» و بخش کوتاهی از «اتل متل» جزو این دسته‌اند. در بافت برخی از این ترانه‌ها، قصه‌های کوتاه یا روایتی که رگه‌های داستان در آنهاست دیده می‌شود.» (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۲۱۳ - ۲۱۲)

بازی‌های سنتی دارای نظم و قوانین مختص خود هستند. ابتدا این بازی‌ها با انتخاب اعضا شروع می‌شوند. افراد ورزیده و چابک به صورت مساوی در دو گروه بازی انتخاب می‌شوند. پیش از شروع بازی، ابتدا دو مرحله طی می‌شود که در هر دو مرحله، ترانه نقش مهمی دارد. این دو مرحله عبارت‌اند از: ۱- فراخوان برای بازی ۲- یارگیری و تعیین اوستا. مضمون این ترانه‌ها، آگاهی دادن به بازیکنانی است که در عرصه بازی حضور ندارند و عدم حضور آنها، ترکیب بازیکنان را دچار نقص می‌سازد. در این وضع است که ترانه فراخوان بازی خوانده می‌شود و نوعی تحریک و تهییج توأم با اجبار و الزام برای آنان به وجود می‌آورد (همان: ۱۳۸۳: ۱۶۴). در بازی‌های بوشهر ترانه‌ای که برای جمع شدن بچه‌ها خوانده می‌شود از این قرار است: «چی چی سنگ ترازی (ترازو) بچه‌ها جمع بشین بیاین به بازی». یا شب‌هنگام، تعدادی از بچه‌ها و یک اوسا (استاد) قبل از موعد مقرر در میدان محل جمع می‌شوند و برای فراخواندن بقیه بازیکنان که در منزل مانده‌اند چنین می‌خوانند: «اوسا (استاد): اومی اومی؟ (آمدی؟ آمدی؟)

بچه‌ها: کی نومی؟ (کی نیامد؟)

اوسا: اکبرو نومی. (به عنوان مثال اکبرو نیامد)

بچه‌ها: سنگش بزن.

اوسا: نمی‌رسه.

۵۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بچه‌ها: بنگش بزَن. (صداش بزَن)

اوسا: نمی‌رسه.

اوسا با مکث می‌گوید: هووش بزَن (او را هو کن).

بچه‌ها با اشتیاق جمله آخر اوسا همه با هم و یک‌صدا کشیده می‌گویند: «هووووو».
این کار باعث تشویق بچه‌هایی می‌شود که در منزل مانده‌اند تا هر چه زودتر خودشان را به میدان بازی برسانند. (برجاس، ۱۳۸۱: ۶۸)

«در بازی - ترانه‌های یارگیری و انتخاب اوستا به ویژه بازی‌های سنتی برای یارگیری از روش‌هایی مانند پشگ^۱ یا پشک^۲ استفاده می‌کنند. پشک با انداختن سکه یعنی شیر یا خط، گل یا پوچ و غیره انجام می‌شود. یکی از این بازی‌ها «اره، بره» است. بچه‌ها با هم می‌خوانند و یک نفر یارگیری می‌کند:

اره، بره / دختر شاه کُبره (کبرا) / هر جا می‌ره، مو نمی‌بره / دختر گُروش می‌بره / ننه عنبر
قربا / ماتیک و مربا / واه، واه / نشستم سر سفره / گرفتم دو تا لقمه / نه یکی، نه دوتا / هزار و
صد و بیست تا / مرواری توی گوشم / آجان (پلیس) زد تو گوشم / وای گوشم / وای گوشم.
هر کس عبارت «وای گوشم» به او برسد به عنوان یار، کنار می‌رود، یارگیری تا آنجا
ادامه می‌یابد که آخرین نفر هم کنار برود.» (کیانیان، ۱۳۸۴: ۳۰)

نمونه دیگر ترانه‌های بازی یارگیری، «آدک، مدک» است.

این بازی یک اوستا دارد. اوستا، بچه‌ها را دور هم جمع کرده و آنها را مخاطب قرار می‌دهد:

ادک، مدک / دور دورچی / شمع، رَمع، دُگورچی / میل، مَلِک، شازاده / دف، دوف،
کناره / کلید و ردار بغل بذار / کی سر بزاره / تو سر بزار.

کودکی سرش را در دامان اوستا می‌گذارد و چشمانش را می‌بندد تا دیگران پنهان شوند. سپس هر کس را که بتواند پیدا کند، با او همدست می‌شود و با هم به دنبال دیگران می‌روند.

1. pešg

2. pesk

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۵۷

یکی دیگر از خصوصیات ترانه‌بازی‌ها مهمل‌سرایی است. مهمل‌سرایی به معنی مزخرف‌گویی نیست. در شعرهای مهمل که خاص کودکان خردسال است، موسیقی و تصویر و رنگ بیشتر اهمیت دارد و مهمل بودن آنها به علت عدم وجود موضوعی مشخص در ترانه‌های بازی است؛ موضوعی که نیاز به درک و اندیشه داشته باشد. نمونه‌ای از این ترانه‌های مهمل، ترانه انتخاب اوستا است. بازیکنی که این ترانه را می‌خواند، در حالی که در دایره بازیکنان ایستاده، با هر سیلاب آن به یکی از بازیکنان اشاره می‌کند تا وقتی که معلوم شود آخرین سیلاب به کی می‌افتد. آخرین بخش آن به هر کس بیافتد، بیرون می‌رود. این ترانه، در تهران چنین خوانده می‌شود: آنی، مانی، دوسی / دوسی زده بوسی / ئو ئو، آته، بو / رنگی، منگی، رخ.

و در کرمان این ترانه را چنین می‌خوانند: آنی، اونی، گفتانی / چنی، چونی، رفتانی
آتکو، ماتکو، فلیس، دونگ.» (کیانیان، ۱۳۸۴: ۳۲)

یکی دیگر از خصوصیات ترانه‌های بازی آشنایی با اعداد است. در یکی از این بازی‌ها یکی از افراد بازی خم می‌شود و افراد دیگر یکی یکی جفتک می‌زنند و از روی او می‌پرند و در همان حین ترانه‌ای را که با اعداد شروع می‌شود می‌خوانند:

اولی: اولی اول بهاره

دومی: دومی، دو زلف یاره

سومی: سومی، سر پنجه شیره

چهارمی: چهارمی، چار پای گاو

پنجمی: پنجمی، پنجه خورشید

ششمی: ششمی، خاکینه بجوشه

هفتمی: هفتمی، هفت محلف فروشه

هشتمی: هشتمی، هشت در بهشته

نهمی: نهمی، ماه زنونه

دهمی: دهمی، ماه خروونه

یازدهمی: یازدهمی، آبش روونه

دوازدهمی: دوازدهمی، سالش تمومه

۵۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

این گفته‌های دارای وزن و قافیه، آیین‌های شمارش و مهمل برای کودکان در همه جای دنیا آشنا هستند. «اینها از یک سو بیانگر نظم و ترتیب تفکر کودکان و از سوی دیگر گستردگی ارتباط این آیین‌ها با فرایند اجتماعی شدن است. کودکان معمولاً آنها را جدی می‌گیرند، وقتی کودکان قواعد شمارش مانند ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود، صد را انجام می‌دهند، اگر کودکی بخواهد تقلب کند یا نقشی را که از طریق شمارش برای او تعیین شده است، رد کند، به شدت از سوی همسالان مورد انتقاد قرار خواهد گرفت، یادگیری آیین‌ها کودک را محرم اسرار قرار می‌دهد. یادگیری رعایت آنها به کودک می‌آموزد که چگونه از قواعد اطاعت کند و از دستورهای اخلاقی پیروی نماید» (هیوز، ۱۳۸۴: ۱۸۴). بعضی از ترانه‌بازی‌ها انفرادی هستند و بعضی دیگر هم گروهی، اما بیشتر آنها بدون ابزار بازی می‌شوند و حرکت در آنها به اندازه دیالوگ نیست. ترانه‌بازی‌های آوازی اگر در بین بچه‌ها رایج نبودند، به یقین تا به حال از بین رفته بودند.

انواع ترانه‌بازی‌های کودکان بر اساس مضمون

ترانه‌بازی‌های کار

یکی از نمونه‌های این ترانه‌های بازی، ترانه‌های کودکان قالبیاف است. «در این ترانه‌ها، نقشه‌خوان پشت دستگاه قالبیاف می‌نشیند و اشعاری را می‌خواند و شاگردان قالبیاف نیز با خواندن اشعاری به او پاسخ می‌دهند:

نقشه‌خوان: ناز دست بچوکا، انگشت شصت بچوکا، موخام که پاکی نخورید، تخته لاک‌ی ببافید، چین من کو چین تو.

شاگردها: چین ما رفته به مشهد، چین ما آورده پشمک، چین ما پشمک گرونه، چین ما ریز و جوهونه.

نقشه‌خوان: ناز دست بچوکا، انگشت شصت بچوکا، موخام که پاکی نخورید، تخته لاک‌ی ببافید، چین من کو چین تو.» (آنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۲)

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۵۹

نمونه دیگر این ترانه‌های بازی، ترانه خرمن کوبی است. در گذشته، در سمنان برای کوبیدن خرمن، بچه‌های محل جمع می‌شدند و چوبی را وسط گندم‌ها قرار می‌دادند و هر یک با یک دست همان چوب را می‌گرفتند و دورش می‌دواندند تا گندم‌ها زیر پایشان خرد شود. در این حین، این شعر را می‌خواندند:

خاله خاله / هو هو / مادر من خانه شماسه؟ / بله بله / چی کار می‌کنه؟ / نان می‌پزد / برای من چستک پخته؟ / بله بله / کجاست؟ / زیر لاک / آه... مار سیاه نانم خورده.

«یکی از ترانه‌های کار کشاورزی کودکان بابلسر، مشارکت آنها در مرحله داشت کشاورزی است. به این ترتیب که در فصل تابستان در وسط جالیزهای بابلسر و اطراف آن، آلاچیقی می‌ساختند و با پوشال روی آن را می‌پوشاندند و کودکان، بویژه دختر بچه‌ها روی آلاچیق می‌نشستند و با کوبیدن بر روی تشت مسین یا پیت‌های خالی ترانه‌هایی می‌خواندند و پرندگان را از جالیز دورباش می‌دادند و این گونه محصول جالیز را از آسیب و نوک زدن پرندگان مصون می‌داشتند. این ترانه، زبان و لحنی کودکانه دارد و کودکان در این ترانه به ستایش پرندگان می‌پردازند و بسان مادری برای پرندگان لالایی می‌خوانند و با تصدق آنها، از پرندگان می‌خواهند که از جالیز دور شوند و در آشیانه‌ها آرام گیرند و مطمئناً آنچه در این میان عاید کودکان می‌شود، حس غرور و بزرگی و مشارکت در کار گروهی است.» (محمدی و قایینی، ج ۱، ۱۳۸۴: ۴۵)

«در مازندران، پاسداری از مزرعه در قبال هجوم کلاغ‌ها، معمولاً با کودکان است. هر دسته سه تا چهار نفری از کودکان، که از سه تا ده سال بیشتر ندارند، از سپیده‌دمان، پس از صرف لقمه‌ای نان و پیاله‌ای چای، گرده نانی به سفره پیچیده به مزرعه می‌روند و تا غروب آفتاب، به حفاظت مزرعه و تاراندن کلاغ‌ها می‌پردازند. آنان بالای نفاها می‌نشینند و چون دسته کلاغ‌ها هویدا شد، با چوب به حلبی‌های نفتی که با خود آورده‌اند می‌کوبند و گاه با حنجره‌های کودکان خویس به همسرایی ترانه‌ای می‌پردازند که پدیدآورنده آن مشخص نیست:

هو آلا، هو آلا	هو آلا، هو آلا
امه باغه لو هکردی	هو آلا! هو هکردی
ته اسه افتویه گره!	هو آلا، هو یه گره!

❖ ۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

امه دل ره، تو نکن او	امه باغره تو نکن لو
اما خامبی بوریم سره!	هو آلا، جان گره!
الان بورو فردا برو	هو آلا، پیش تر نرو،
هو آلا، جان گره!	اما خوامبی بوریم سره!
هو آلا، هو آلا	هو آلا، هو آلا
باغ مرا پامال کردی	هو آلا! هو کردی
مشربه دست ترا قربان!	هو آلا (هو) ی ترا قربان!
دل مرا آب مکن	باغ مرا پامال مکن
ما می خواهیم برویم به خانه مان	هو آلا جان ترا قربان
اکنون برو و فردا بیا	هو آلا جلوتر بیا
هو آلا جان ترا قربان»	ما می خواهیم برویم به خانه مان

(پیمان، ۱۳۴۰: ۱۴۰ - ۱۳۹)

ترانه بازی گندم گل گندم هم جزو ترانه های کار محسوب می شود. پایه این بازی کشت و کار و رویش گندم است که خوراک اصلی مردم ایران بوده. «این بازی، مراحل مختلف کشت گندم را نشان می دهد و جذابیت آن بستگی زیادی به هنر بازیگر اصلی دارد» (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲). بخشی از متن ترانه به قرار ذیل است:

گندم گل گندم، گل گندم، گل گندم /
 گندم گل گندم، گل گندم، گل گندم /
 زمینش مال من، آبش مال مردم، گل گندم /
 گندم، گل گندم، گل گندم، گل گندم /
 شخمش می زند همچین و همچون، گل گندم /
 گندم گل گندم، گل گندم، گل گندم /
 تخمش می پاشند همچین و همچون گل گندم و... (جهازی، ۱۳۹۲: ۵۵ - ۵۴)

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۶۱

ترانه‌بازی‌های نمایشی

گونه‌ای دیگر از ترانه‌های بازی شکل نمایشی دارد و کودک با خواندن و شنیدن آنها، با زندگی و کنش‌های آن آشنا می‌شود. محمدهادی محمدی و زهره قائینی ترانه بازی را گونه‌ای از ترانه‌های کودکان می‌دانند که هنگام بازی کودکان شکل نمایشی یافته است. «این ترانه‌ها، از درونمایه‌ای نمایشی برخوردارند و کودک با خواندن و شنیدن آنها، زندگی و کنش‌های آن را تجربه می‌کند.» (محمدی و قایینی، ج ۱، ۱۳۸۴: ۳۵)

در بازی‌های نمایشی کودکان، از میان دو عنصر بازی و نمایش، اهمیت را باید به عنصر بازی داد. بسیاری از بازی‌های کودکان دارای عنصر نمایشی هستند. در ذیل به چند نمونه از آنها پرداخته می‌شود.

مادر و خاله گرگ: بازیکنان کسی را که از همه قوی‌تر است به نام مادر و یکی دیگر را که او هم نسبتاً قوی است به نام گرگ انتخاب می‌کنند، سپس یکی از آنها که از همه بزرگتر است پشت دامن مادر را به دست می‌گیرد و همانجا می‌ایستد. دیگران نیز به ترتیب قد پشت سر یکدیگر به ردیف می‌ایستند و دامن یکدیگر را می‌گیرند، شخصی که پشت سر مادر قرار گرفته به زبان محلی «لکله» نام دارد، سپس گرگ روبه‌روی مادر قرار می‌گیرد و این اشعار در بین گرگ و مادر رد و بدل می‌شود.

گرگ: آقا گفته لکله بده (آقا گفته لکله رو بده)

مادر: لکله ندارم چه کنم؟

گرگ: پس اینها همه چیزنه (پس اینها چی هستند؟)

مادر: کور و کچل کنیزته (همه‌شان کور و کچل و کنیز هستند)

گرگ: کلید دست کی؟

مادر: دست باباش.

گرگ: قبولش دارم.

مادر: کلیدش ندارم.

گرگ: باباش در کجاس؟

۶۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مادر: در شهر شیراز.

گرگ: چند روزه می‌آد؟

مادر: دو روزه می‌آد. بعد همه با هم با آهنگ مخصوص می‌خوانند:

دو روزش رفت و نیومد، سه روزیش دراومد (دو روز رفت و نیامد، سر سه روز

گرگ آمد)

و در حالی که همه با هم شعر را تکرار می‌کنند، گرگ سعی می‌کند یکی یکی بچه‌ها را از انتهای صف بدزدد و مادر سعی می‌کند نگذارد» (کیانیان، ۱۳۸۴: ۱۳۷-۱۳۶). زمان پیدایش این بازی به روزگار شبانی و گله‌داری می‌رسد، هنگامی که نیاکان ما از سرزمین‌های سرد با گله‌های گاو و گوسفند خود راه دشت‌های گرم‌تر فلات ایران را پیش گرفتند.

خواستگاری (واسونک): در این بازی بچه‌ها به دو گروه نزدیکان داماد که برای خواستگاری آمده‌اند و نزدیکان عروس تقسیم می‌شوند. دو گروه، روبروی هم می‌نشینند و بازی توسط نزدیکان داماد شروع می‌شود.

نزدیکان داماد: دیگ حلقه‌دار آوردیم، دختر شما رو بردیم.

نزدیکان عروس: دیگ حلقه‌دار ارزونی شما، دخترمونو نمی‌دیم به شما.

نزدیکان داماد: خر کره‌دار آوردیم، دختر شما رو بردیم.

نزدیکان عروس: خر کره‌دار ارزونی شما، دخترمونو نمی‌دیم به شما.

نزدیکان داماد: میش بره‌دار آوردیم، دختر شما رو بردیم.

نزدیکان عروس: میش بره‌دار ارزونی شما، دخترمونو نمی‌دیم به شما.

نزدیکان داماد: شتر با بار آوردیم، دختر شما رو بردیم.

نزدیکان عروس: شتر با بار ارزونی شما، دخترمونو نمی‌دیم به شما.

نزدیکان داماد: تفنگ و قطار آوردیم، دختر شما رو بردیم.

نزدیکان عروس: تفنگ و قطار ارزونی شما، دخترمونو نمی‌دیم به شما.

در این بازی کودک با وسایل مختلف سنتی و مراسم خواستگاری و ازدواج آشنا

می‌شود.

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۶۳

ننه پیرزالو: در این بازی یکی از بچه‌ها چوبی دست می‌گیرد و کمرش را خم می‌کند و نقش یک پیرزن را می‌گیرد. بقیه بچه‌ها هم شادی‌کنان دور و بر او می‌پرند و می‌خوانند.

بچه‌ها: ننه پیرزالو؟

ننه: جونم ننه

بچه‌ها: از کجا میای؟

ننه: از دورمنه (از دامنه)

بچه‌ها: چی بار داری؟

ننه: کندلو بنه (باروبنه)

بچه‌ها: ور کی می‌بری؟

ننه: ور آمنه

بچه‌ها: چی می‌دنت؟

ننه: قاتق بنه

بچه‌ها: نون می‌خوری؟

ننه: دندون ندارم

بچه‌ها: قلیون می‌کشی؟

ننه: نفس ندارم

بچه‌ها: جارو می‌کشی؟

ننه: کمر ندارم

بچه‌ها: عروس می‌شی؟

ننه: اختیار داری، اختیار داری

این بازی طنزآمیز هجو زنان پیر زنده‌دل است و بازی با شادی و خنده فراوان بچه‌ها به پایان می‌رسد.

سایر بازی‌های نمایشی عبارت‌اند از:

پهلوان‌بازی؛ باباصفر؛ گرگم به هوا؛ باجی باجی جون؛ آسیاب بچرخ؛ بزک نمی‌تونه راه ره؛ مرغ زرد پا کوتاه؛ بی‌بی گلو (خواستگاری).

۶۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ترانه‌بازی‌های سرگرمی

این ترانه‌بازی‌ها برای سرگرم کردن نوزادان و کودکان بازی می‌شوند. بلوکباشی در این زمینه به بازی «اوستا بدوش، زن اوستا ندوش» اشاره می‌کند و می‌گوید «یکی از بازی‌هایی که برای سرگرم کردن کودکان بازیگوش در خانواده‌های تهران رواج داشت بازی اوستا بدوش بود. این بازی، به این صورت بود که: یکی از بانوان خانه، کودکان را فرامی‌خواند و آنها را حلقه‌وار روبروی خود می‌نشاند. زن استاد می‌شد و بازی را این‌گونه آغاز می‌کرد که نخست انگشت نشانه (ابهام) خود را در میان دایره‌ای که از طرز نشستن خود و کودکان درست شده می‌گذارد، سپس انگشت را به سوی خود دو بار بر روی زمین می‌کشد. در بار اول، کودکان نیز از او پیروی می‌کنند و همه با هم همراه با کشیدن انگشتان نشانه‌شان بر زمین می‌گویند: اوستا بدوش / در بار دوم استاد با کشیدن انگشت خود بر روی زمین می‌گوید: زن اوستا ندوش». (بلوکباشی، ۱۳۴۰: ۱۸۴)

نمونه دیگری از بازی‌های سرگرمی که بلوکباشی به آنها اشاره می‌کند «بگو دس کی بالاس» (بگو دست کی بالاست؟) نام دارد. اوستا چشم یکی از بچه‌ها را می‌بندد و به او می‌گوید دست کی بالاست؟ در همان حال یکی از بچه‌ها، دستش را بالا می‌برد. اگر بچه‌ای که چشمش بسته است نتوانست نام او را ندیده بگوید، بازی پایان می‌یابد و دوباره آغاز می‌شود و اگر نتوانست درست بگوید، استاد و کودکان باز با کف دست بر پشت او می‌کوبند و با هم چنین می‌خوانند: رفتم دوکون اناری، ات وات وات / رفتم دوکون بقالی، بق و بق و بق / رفتم دوکون زرگری، زر و زر و زر / رفتم دوکون بزازی، بز و بز و بز / رفتم به باغی / دیدم کلاغی / سرش بریده / خونش چکیده / کلاغه می‌گه قارقار / بقچه قلم کار کار / خبر ندین به مادرم / گل می‌چینه برادرم / سوار این اسب نمی‌شم / سوار اون اسب نمی‌شم / سوار سیاره می‌شم / تا دم دروازه می‌شم / دروازه نگین داره / قلف امبرین داره / خوروسه می‌گه: قی قیر و قی قیر / زنبوره می‌گه جیلیز و ویلیز». (بلوکباشی، ۱۳۴۰: ۱۸۵)

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۶۵

یکی دیگر از بازی‌های سرگرمی بازی «آسیا نشین» است. آسیا نشین از بازی‌های دخترانه است. بچه‌ها دور هم جمع می‌شوند، سپس دست‌هایشان را به هم قلاب می‌کنند و دایره‌وار می‌ایستند. یکی از آنها اوستا می‌شود و با صدای بلند می‌خوانند:

آسیا بشین:

بچه‌ها: می‌شینم

اوستا: آسیا پاشو

بچه‌ها: پا نمی‌شم

اوستا: جون عمه جون

بچه‌ها: پا نمی‌شم

اوستا: قفل و کلیدون

بچه‌ها: پا می‌شم

اوستا: آسیا میز بساز

بچه‌ها: بفرما (پاهایشان را به حالت میز درمی‌آورند)

اوستا: صندلی بساز

بچه‌ها: بفرما (پاهایشان را خم کرده، به شکل صندلی درمی‌آورند)

اوستا: آسیا بخواب

بچه‌ها: می‌خوابم (دستشان را زیر سر برده و به حالت خوابیده درمی‌آیند)

اوستا: آسیا بخند

بچه‌ها: می‌خندم. هه هه هه، هو هو هو

اوستا: قلیون بکش.

بچه‌ها: می‌کشم. قور، قور، قور، قور، قور، قور

بازی دیگر «کوچول موچول» نام دارد. «در این بازی دو نفر روی هم می‌نشینند. یکی دست دیگری را می‌گیرد و از انگشت کوچک او شروع به گفتن این جملات می‌کند:

این کوچولو موچوله (انگشت کوچک را می‌خواباند)

این مادر مچوله (انگشت بعدی را می‌خواباند)

۶۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

این عبا بلنده (انگشت وسطی را می‌خواباند)
 این دعاکننده (انگشت اشاره را می‌خواباند)
 این شپش‌کشنده (انگشت شست را می‌خواباند)
 این گفت بریم به صحرا (اشاره به انگشت کوچک)
 این گفت چی بیاریم؟ (اشاره به انگشت انگشتری)
 این گفت گون بیاریم (اشاره به انگشت وسطی)
 این گفت گرگه اونجاست (اشاره به انگشت اشاره)
 این کله گنده گفت (اشاره به انگشت شست)
 هستم شما را همراه از کی دیگه می‌ترسید؟»

در بازی‌های انگشتی مادر کودک را به صحبت کردن تشویق می‌کند.

ترانه‌هایی که مادر برای کودکش می‌خواند نیز از جمله ترانه‌بازی‌های سرگرمی هستند. در بعضی از این ترانه‌بازی‌ها مادر ویژگی‌های کودکش را برمی‌شمرد و او را مورد ستایش قرار می‌دهد یا در بازی دیگری مادر دو پای بچه را روی دو پای خودش می‌گذارد و قدم برمی‌دارد و می‌خواند:

وچم بلبل باغه

وچم وچه کلاغه

وچم میرزا فتح‌الله

و همین‌طور راه می‌رود و برای کودکش ترانه می‌خواند. مضمون بعضی از این ترانه‌ها حضور پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده است و همین‌طور احساس ایمنی از بودن اعضای خانواده کنار هم. «در برخی بازی‌ها کودک از خلال اشعار با اشیایی که در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند یا برخی جانوران و اصوات آنها آشنا می‌شود. بازی «تاپ تاپ خمیر» و «کلاغ پر» از جمله این بازی‌ها هستند؛ یا در بازی «خرگوشک» دوستی با حیوانات مضمون مورد تأکید مادر است. در برخی بازی‌ها، کودک از طریق اشعار با کارهایی که معمولاً در زندگی روستایی انجام می‌گیرد آشنا می‌شود؛ مانند: آب کشیدن، آرد الک کردن، خمیر کردن، نان پختن، در این چنین بازی‌هایی مضمون این اشعار با حرکات نمادین نمایشی همراه می‌شوند» (ناصری،

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۶۷

۱۳۸۲: ۱۶۲). در بازی «خونه قاضی» مادر دست خود را مشت می‌کند و روی دست بچه می‌گذارد و از او می‌پرسد: خونه قاضی کجاست؟

بچه می‌گوید: بالاتر.

مادر می‌پرسد: خونه خواهرش کجاست؟

بچه می‌گوید: بالاتر.

مادر می‌گوید: خونه پدرش کجاست؟ و همین‌طور اسم بقیه فامیل را می‌برد، و از مشت‌ها بالا می‌رود تا به نوک برج می‌رسد. در این بازی کودک با اعضای خانواده و خویشاوندان آشنا می‌شود. در این بازی، می‌توان اسامی انسان‌ها یا حیوانات را به جای اسامی پدر و مادر و خویشاوندان قرار داد و بازی را با تنوع بیشتری اجرا کرد و خزانه واژگان کودک را گسترش داد. «برخی از این بازی‌ها جنبه تمرینی و کنشی دارند و به منظور ایجاد الگوهای گوناگون حرکتی در کودک به کار گرفته می‌شوند. در این بازی‌ها سر، گردن، تنه، دست و پا به کار گرفته می‌شوند تا فعالیت‌هایی نظیر نشستن، سینه‌خیز رفتن، ایستادن، دویدن، پریدن، بالا رفتن، پرتاب کردن و... به تدریج شکل بگیرند، به عنوان مثال هنگامی که مادر دو دست بچه را می‌گیرد و آنها را به هم می‌کوبد و می‌خواند: دس دسی باباش می‌یاد... انجام دهد، این کار موجب تقویت عضلات دست کودک می‌شود، یا در ترانه‌بازی «جم جمک برگ خزون» که مادر دو مشت کودک را روی هم حرکت می‌دهد، جمع کردن انگشتان به صورت مشت و حرکت دادن آنها روی یکدیگر یکی از مهارت‌های حرکتی است که در کودک ایجاد می‌شود یا در بازی «کشا مشا»، مادر دست‌های کودک را می‌گیرد و به جلو و عقب و چپ و راست حرکت می‌دهد و شعری برایش می‌خواند. مادر هنگام بازی با نرمش دادن عضلات حرکتی کودک نوعی هماهنگی ماهیچه‌ای را در او به وجود می‌آورد.» (همان: ۱۶۶)

ترانه‌بازی‌های آئینی - مناسبتی

بسیاری از بازی‌های سنتی، بی‌واسطه نشان‌دهنده یک آیین اسطوره‌ای یا جادویی هستند. بعضی از ترانه‌بازی‌ها آن قدر دیرینه و ژرف‌اند که با آیین‌های نمایشی - اساطیری پیوند می‌یابند. مهم‌ترین عناصر در بازی‌های آئینی ایران عبارت‌اند از: ۱.

۶۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

موسیقی ضرباهنگ (ریتم). ۲. رنگ پوشش و چهره‌ها. ۳. حرکت و رفتار. ۴. شوخی و شنگی (طنز). «در مراسم آیینی رسیدن به اندیشه‌ای واحد باعث شور و هیجان می‌شود و این حرکات را دیگر نمی‌توان رقص نامید؛ بلکه به آنها بازی‌های آیینی می‌گویند. این آیین‌ها، هم چنین دارای نظم هستند. پای برداشتن، کف زدن، دویدن، سینه زدن، بالا و پایین پریدن در یک دوره زمانی مشخص انجام می‌شود. در آیین‌ها سه وحدت وجود دارد. ۱. وحدت مکان: چونان شیونگاه، عیدگاه، حجله‌گاه، مسجد، مصلی، میدان‌گاه. ۲. وحدت زمان: ساعت خاص، روز خاص. ۳. وحدت حضور: ملاقات ارواح انسانی در نقطه‌ای مشترک» (جاوید، ۱۳۸۲: ۱۴۰). بازی عمو زنجیرباف یکی از این بازی‌هاست که آن را به آئین نوروز ارتباط می‌دهند. «در این ترانه‌بازی عمو زنجیرباف نمادی از شخصیت عمو نوروز یا همان ایزد باران است که زنجیر زمستان و سرما را از دست‌ها باز می‌کند و پشت کوه سیاه می‌اندازد، آنجا که جایگاه دیوان است. بابا، نمادی از بهار است که با خود فراوانی و زندگی می‌آورد، آوای جانوران نیز، نشانی از بیداری طبیعت و موجودات آن است که یک به یک به پیشواز بهار می‌روند» (محمدی و قایینی، ج ۱، ۱۳۸۴: ۳۹). روایتی از ترانه‌بازی عمو زنجیرباف به قرار ذیل است:

«بچه‌ها: عمو زنجیرباف؟ / اوستا: بله / بچه‌ها: زنجیر ما رو بافتی؟ / اوستا: بله / بچه‌ها: پشت کوه انداختی؟ / اوستا: بله / بچه‌ها: یه عروس دارم، از کدوم دروازه؟ / اوستا: از این دروازه / بچه‌ها: شپش داره / اوستا: از این دروازه / بچه‌ها: کک داره / اوستا: از این دروازه / بچه‌ها: ساس داره / بچه‌ها: از این دروازه.» (کیانیان، ۱۳۸۴: ۲۲۷)

درونمایه اساطیر ترانه‌های بازی نیایشی، نشان قدمت آنهاست. این ترانه‌ها را کودکان می‌خوانند و کودکان آنها را به صورت آیین‌های نمایشی انجام می‌دهند. نمونه‌ای از این ترانه‌های بازی نیایشی که جزو ترانه‌بازی‌های آیینی هم محسوب می‌شوند، ترانه‌های بازی «طلب آمدن باران» یا «بند آمدن باران» است. آیین باران‌خواهی معمولاً در فصل پاییز انجام می‌گیرد، یعنی زمانی که گندم دیمی به باران نیاز دارد. در این زمان، اگر بارش باران کم شود یا باران نبارد، بچه‌ها در ابتدای شب جمع می‌شوند و یک نفر را به شکل دلچک یا به زبان محلی «هل هل کوسه» درمی‌آورند و لباس پاره و رنگارنگ به او می‌پوشانند و چوب بلندی در حدود یک متر در وسط دو پای او قرار

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۶۹

می دهند و با طناب چوب را محکم می بندند و چند عدد زنگوله پر سروصدا به دو سر چوب می بندند، به گونه‌ای که هل هل کوسه، سوار بر اسب مجسم شود. سپس هل هل کوسه، به سرعت به جلوی جماعت کودکان حرکت می کند بچه‌ها به دنبال او این اشعار را می خوانند:

هل هل هلونه hal hal haluna

امر خدا بارونه amre xodâ bâruna

آمدن باران به امر خداست

هل هل کوسه چالاکه hal hal kusa čalâke

هل هل کوسه چالاک است

گنما و زیر خاکه ganemâ ve zire xâka

گندم‌ها به زیر خاک است

هل هل کوسه بدوشه hal hala kusa beduša

هل هل کوسه عصبانی است

شاخش مٹ دروشه sâxeš mese derowša

شاخش مثل درفش تیز و برنده است

(آنی زاده، ۱۳۸۷: ۸۶)

بازی آیینی «کوسه و گول»، یکی دیگر از شناخته شده‌ترین آیین‌های نمایشی است که در بخش‌هایی از ایران همچنان برگزار می‌شود و کودکان باهیجان در آن شرکت می‌کنند. «در روستاهای رشت، گول جوان نیرومند و بلندبالایی است که چهره‌اش را سیاه می‌کنند و به جای دم، جارو یا دسته‌ای کلوش به پشتش می‌بندند. کوسه را هم به شکلی دیگر آرایش می‌کنند. گول و کوسه، دلبسته دختری هستند که برای به دست آوردن او با هم می‌جنگند. گول، دنبال کوسه راه می‌افتد. از کنش و درگیری میان آنها کوچک و بزرگ می‌خندند و شادی می‌کنند. در این میان، کودکان با همدیگر آواز می‌خوانند: ای گولک شیرازی

۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

یک دور تو بوکون بازی

اغول چه جور غوله

تا کمر بیجیر چوله

غول‌ها یا غولک‌ها (نماد سیاهی زمستان یا دیو سرما) از آن رو برای کودکان دوست‌داشتنی هستند که دیوهای قصه‌ها را به یاد می‌آورند. شخصیت کوسه نیز ریشه در آیین‌های کهن ایرانی دارد.» (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۷)

ترانه‌های بازی مناسبتی نیز جزو ترانه‌بازی‌های آیینی محسوب می‌شوند. این ترانه‌های بازی گونه‌ای از ترانه‌هاست که در زمان‌های ویژه مانند جشن‌ها و عیدها خوانده می‌شوند. برای نمونه ترانه «شالی نو، مالی نو» از ترانه‌های بازی مناسبتی است که کودکان در شب‌های پایانی سال آن را می‌خوانند. این ترانه‌ها، ممکن است همراه با اجرای نمایش یا بدون اجرای نمایش باشند.

«بازی‌های آیینی همگی موسیقایی‌اند، یا با کف زدن و آواز همراهند یا با سازهای بادی بزرگ و کوبه‌ای دو پوست و یا کوبه‌ای ساده به همراه حرکات همراهی می‌شوند یا در کنار سازها آوازهای جمعی یا تک‌نفره خوانده می‌شود. در همه جای ایران شرق، غرب، شمال و جنوب در این بازی‌ها ضرباهنگ (ریتم) مهم‌ترین نقش را برای مراسم بازی ایفا می‌کنند» (جاوید، ۱۳۸۲: ۲۱). در بازی‌های آیینی سعی می‌شود با توسل به نیروهای ماوراءالطبیعه شجاعت و دلاوری را به دست آورند. بازی‌های آیینی، نمایشی تقابل بین خیر و شر هستند.

ترانه‌بازی‌های لفظی

در گویش‌های بعضی از مناطق که در آن‌ها برخی از ترانه‌های بازی جنبه بازی لفظی دارند، این جور ترانه‌ها بر تکرار یک حرف یا قرینه‌سازی و تکرار یک واژه یا اسم در ساختار کلمه یا جمله بنا می‌شوند. نمونه این ترانه بازی «اتلک بی اتی تتلک» است. در این بازی، بچه‌ها روی زمین می‌نشینند و پاهای خود را دراز می‌کنند. یک نفر، شعر می‌خواند و با ضربه به نوبت به پای بچه‌ها می‌زند. با آخرین ضرب شعر، آن فرد پای خود را جمع می‌کند و بازی ادامه پیدا می‌کند تا یک پا باقی بماند.

- اتلک تی تتلک

- پنجه پشیمان شکر

- عباس کجاس؟

- تو باغچه

- چی می‌چینه؟

- آلوچه

- ور دخترا تو خونه

- ور پسرا تو کوچه

- آلوچه سه گردو

- خبر داده به اردو

- اردو قلندر شده

- دسمال شا سوخته

- آب طلا ریخته شده

- آره، بره، یکیش بزن

- بدره (بی‌نام، ۱۳۴۰: ۱۳۱)

«نمونه دیگری از ترانه‌های لفظی بازی «گرگم به هوا» است. در این بازی، بچه‌ها دایره‌وار می‌ایستند و دست‌های یکدیگر را می‌گیرند. یکی از آنها می‌گوید: گرگم به هوا/ هوا زمینه/ هر که نشینه/ گرگه زمینه/ در این حال، همه باید بی‌درنگ بنشینند. اگر کسی ننشست، بازنده است و این بار عکس آن گفته می‌شود: گرگم به هوا/ هوا زمینه/ هر که بنشینه/ گرگه زمینه. بی‌درنگ همه باید بایستند. این جملات، باید خیلی سریع تکرار شود تا برنده‌ها و بازنده‌ها مشخص شوند (کیانیان، ۱۳۸۴: ۴۸). واژه‌هایی که در این بازی‌ها آورده می‌شوند، غالباً به‌تنهایی و در ترکیب شعر معنای درستی ندارند، اما این شعرها با واژه‌های بی‌معناشان، در ساختار بازی نقش مهمی دارند. محمد/ احمد پناهی سمنانی در این باره شعر را جانمایه بازی می‌داند که شور و حرکت می‌آفریند و بازی را از حالت سکون بیرون می‌آورد و حرکت، هیجان و جاذبه بازی بر عهده آن است. «اگر شعرها معنا داشتند، خاصیت جادویی و تأثیرگذاری‌شان کاهش می‌یافت.»

۷۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فقدان معنا و ارتباط منطقی موجب می‌شود تا ذهن کودک یا بازیکن، بلاواسطه به ضرباهنگ شعر و تأثیر آن در بازی بازگردد.» (احمد پناهی سمناهی، ۱۳۸۳: ۳۴)

جمع‌بندی

کودک از طریق بازی به رشد عاطفی، عزت نفس، کشف محیط و اشیای پیرامون خود دست می‌یابد. بازی‌های کودکان باعث رشد جسمی آنها شده و احساس آزادی و روحیه کار را در آنها تقویت می‌کند و شرایطی مناسب برای ابراز آرا و رغبت‌های آنها فراهم می‌آورد. «برخی از مهم‌ترین کارکردهای بازی‌ها را می‌توان چنین شمرد: کارکرد ساماندهی روانی، کارکرد سرگرم‌کننده، کارکرد پیوندسازی، کارکرد زبانی، کارکرد ورزشی، کارکرد نمایشی، کارکرد پرورش فکری، کارکرد جنسی» (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۷). اثرات بازی‌های محلی عبارت‌اند از: ۱. تقویت حس دفاع از میهن ۲. آموزش نظم و ترتیب ۳. تسریع قدرت تصمیم‌گیری و اراده ۴. تقویت حس دینی ۵. ارزان و راحت بودن بازی‌های محلی ۶. اشتراکات محلی. کودک با رشد جسمی - روانی، بازی‌های تقلیدی را پشت سر می‌گذارد و مهارت‌های بیشتری در حرکات پیدا می‌کند. در این مرحله بازی‌های کودک نمادین می‌شود. کودک تمام آرزوهای خود را از طریق بازی نمایان می‌کند. زمانی که بازی با ترانه همراه است، کودک از انجام آن بیشتر لذت می‌برد. ترانه‌های کودکان دارای مضامین متنوعی هستند. ممکن است یک ترانه‌بازی مضمون خاصی نداشته باشد و توصیفی از یک حیوان یا شیئی باشد؛ یا تمثیلی اخلاقی یا آموزش مهارتی یا طرح چيستانی باشد. گاهی مواقع یک ترانه‌بازی شامل دو یا چند مضمون است. در عین حال که سرگرم‌کننده است و باعث تفریح بازیکنان می‌شود، نکات اخلاقی و مهارت‌های رفتاری را به آنها آموزش می‌دهد و به پرورش ذهنی و فکری آنها می‌پردازد. مهم‌ترین ویژگی ترانه‌های بازی تقویت قدرت کلامی، شناخت موسیقی و ریتم و تقویت قوه خلاقه کودکان است. در این ترانه‌ها قافیه‌سازی اهمیت ویژه‌ای دارد. قافیه ترانه‌های بازی باید گوش را بنوازد.

ترانه‌بازی‌های کودکان ❖ ۷۳

کودکان در بازی‌های خود، قافیه‌سازی می‌کنند و نام آن را بازی می‌گذارند. ترانه‌های بازی کودکان بعد از لالایی‌ها و ابتدا مادر آنها را به کودک می‌آموزد. شاید نخستین ترانه‌بازی را ترانه‌بازی «انگشتان دست» دانست که مادر انگشتان طفل را یکی یکی می‌خواباند و برای هر یک از آنها کاری و شغلی می‌تراشد. «در اشعار مادران، کودک با مفاهیمی از قبیل خانواده، حیوانات، اشیای محیطی پیرامون، کنش‌هایی که در زندگی روزمره جریان دارد، طبیعت و... آشنا می‌شود. ارایه تمامی این مفاهیم به کودک کمک می‌کند تا دنیایی را که در آن زندگی می‌کند، بشناسد. البته تا قبل از یک سالگی تجربه‌های آوایی کلام نقش برجسته‌ای دارند، در حالی که تجربه‌های معنایی کلام در حدود یک تا سه سالگی گسترش می‌یابند» (ناصری، ۱۳۸۲: ۱۷۰). یکی دیگر از ویژگی‌های ترانه‌بازی‌ها تقویت گفتار و زبان و تمرکز در کودکان است، زیرا در این بازی‌ها که گفتگو بین شخصیت‌ها برقرار می‌شود، این گفتگوها باعث تقویت گفتار و زبان و تمرکز در کودکان می‌شود.

ترانه‌های بازی با رشد کودک، پیچیده‌تر می‌شود و باعث رشد هوش هیجانی، هوش عاطفی، هوش موسیقی و حتی هوش ریاضی او می‌شود. با گسترش شهرنشینی و زندگی آپارتمانی، مؤسسات فرهنگی و مهدهای کودک با برپایی دوره‌های فشرده بازی‌های محلی کودکان سعی در احیای این بازی‌ها و ترانه‌هایشان دارند.

منابع

- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۱). «تحلیلی بر بازی‌های سنتی». گفتگو با محمد - احمد پناهی سمنانی، کتاب ماه هنر، ش ۴۳، فروردین صص ۳۵ - ۳۲.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران (سیری در ترانه‌های ملی ایران)، تهران: سروش.
- آنی‌زاده، علی (۱۳۹۲). آیین‌های کودکی و سبک زندگی، گزارش پژوهشی، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.

۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- آنی زاده، علی (۱۳۸۷). «درآمدی بر عناصر سازنده بازی‌های سنتی»، فرهنگ مردم ایران، ش ۱۲، بهار، صص ۱۰۶-۸۱.
- برجاس، اسماعیل (۱۳۸۱). بازی‌های محلی استان بوشهر، بوشهر: شروع.
- بلوکباشی، علی (۱۳۴۰). «نگاهی به چند بازی دیرین ایرانی»، کتاب هفته، ش ۱۵، صص ۱۲۹ - ۱۲۱.
- بی‌نام (۱۳۴۰). کتاب هفته، ش ۱، صص ۱۳۱ - ۱۲۹.
- پیمان، ع (۱۳۴۰). «هوالات»، کتاب هفته، ش ۱۳. زیر نظر دکتر محسن هشتروودی، سازمان چاپ و انتشارات کیهان.
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۱). «بازی‌های آیینی»، ماهنامه انجمن نمایش، دوره جدید، ش ۵۳، س ۵.
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۲). «بازی‌های آیینی در کاشمر»، پل فیروزه س ۳، ش ۹، صص ۱۴۸ - ۱۳۹.
- جهازی، ناهید (۱۳۹۲). بازی‌های نمایشی در ایران، تهران: فراز.
- کیانیان، داوود (۱۳۸۴). نمایش کودک، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- محمدی، محمد هادی (۱۳۸۲). «ریشه‌ها و بنیادهای تاریخی بازی‌های سنتی ایران»، پل فیروزه، س ۳، ش ۹، صص ۳۶ - ۱۵.
- محمدی، محمد هادی، قاینی، زهره (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات کودکان ایران، ج ۱، چ ۵، تهران: نشر چیستا.
- ناصری، مسعود (۱۳۸۲). «افسون کلام، موسیقی و حرکت (نگاهی به بازی‌های سنتی در دوره اول کودکی)»، پل فیروزه س ۳، ش ۹، صص ۱۷۶ - ۱۴۹.
- هیوز، فرگاس پیتر (۱۳۸۴). روان‌شناسی بازی (کودکان، بازی و رشد)، ترجمه کامران گنجی، تهران: رشد.